مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال سیزدهم ، شماره ۲، پاییز زمستان ۱۴۰۰، شمارهٔ پیاپی ۲۵

DOI: 10.22067/JLKD.2021.71918.1047

فرایند رمزگردانی در بین گویشوران دوزبانه لکی-فارسی بر اساس متغیرهای سن، جنسیت و بافت وقوع گفتار

طاهره افشار، استادیار گروه زبان انگلیسی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)
فری‌نوش گراوند، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

صص: ۱۰۷-۷۷

چکیده

در بافت‌های دو یا چندزبانه، تماس زبانی گویشوران در کنش‌های اجتماعی روزمره به پدیده رمزگردانی منجر می‌شود. استفاده بیش از یک زبان در یک پاره‌گفتار یا کنش ارتباطی را رمزگردانی می‌نامند. رسمی و معیار بودن زبان فارسی و همچنین اعتبار اجتماعی، علمی و فرهنگی آن در مقایسه با زبان‌های بومی محلی، گفتار گویشوران این زبان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زبان لکی نیز ازجمله زبان‌هایی است که گویشوران آن در بافت‌های گوناگون و به دلایل متفاوت، تغییر رمز می‌دهند. هدف پژوهش حاضر بررسی پدیده رمزگردانی در بین گویشوران لک زبان با در نظر گرفتن سه عامل جامعه‌شناختی سن، جنسیت و بافت وقوع گفتار می‌باشد. داده‌های مرتبط با رمزگردانی ۱۲۰ نفر از گویشوران دوزبانه لکی-فارسی شهرستان کوهدشت در طول ۱۰ جلسه‌ی ۴۵ تا ۶۰ دقیقه‌ای ضبط و ثبت گردید. داده‌ها در سه گروه سنی ۱۳-۷، ۳۵-۱۸ و ۵۰ سال به بالا در بین زنان و مردان و در دو بافت رسمی شامل مدرسه، اداره و بانک و غیررسمی شامل خانواده، محله و بازار جمع‌آوری گردید. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام و در بخش آمار استنباطی از آزمون خی ۲ استفاده شد. نتایج نشان داد که سه عامل سن، جنسیت و بافت وقوع گفتار در میزان رمزگردانی گویشوران تأثیرگذارند. به گونه‌ای که میزان رمزگردانی به زبان فارسی در بین زنان، افراد کم سن و سال و در بافت رسمی بیشتر اتفاق می‌افتد.

کلمات کلیدی: سن، بافت وقوع گفتار، جنسیت، دوزبانگی، رمزگردانی، گویشوران لکی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸
پست الکترونیکی: 1. t.afshar@ilam.ac.ir 2. Farinoosh.g88@yahoo.com

۱. مقدمه

موضوع شناخت زبان و ماهیت آن پیشینه‌ای بس کهن دارد. زبان، ساده‌ترین وسیله‌ای است که ما در زندگی روزمره برای ایجاد ارتباط با همنوعان خود در اختیارداریم و مهم‌ترین وسیله ارتباط بین افراد و پایه‌ی همه نهادهای اجتماعی است. از همین رو از میان همه نقش‌های مختلفی که برای زبان قائل شده‌اند، نقش اصلی را به ایجاد ارتباط و بیان اندیشۀ مکتوم، داده-اند؛ چراکه بشر در اجتماع ناگزیر است تجربه‌هایش را به دیگران منتقل کند و متقابلاً تجربه-های دیگران را دریابد و برای این منظور ابزاری ساده‌تر و درعین‌حال کامل‌تر و کارآمدتر از زبان در اختیار ندارد (نجفی،۱۳۸۴: ۳۵). در جوامعی که به بیش از یک زبان تکلم می‌کنند، همگام با تغییرات فردی و اجتماعی حاصل از همزیستی گویش‌وران مختلف، برخورد و تأثیر-پذیری زبانی نیز غیرقابل‌انکار خواهد بود. عواملی مانند صنعتی شدن، توسعه شهرنشینی، گسترش رسانه‌ها، دسترسی اطلاعاتی، تحولات اقتصادی و اجتماعی، جهانی‌شدن و ارتباطات و مبادلات اطلاعاتی با جهان، گسترش آموزش و آموزش عالی و توسعه زبان‌های دیگر و آمیخته شدن آن با زبان مادری، سبب تغییرات گوناگونی در زبان شده است.

کشور ما زبان‌های گوناگونی در خود جای‌داده است. گویشوران این زبان‌ها به دلایل مختلف تجاری، جغرافیایی، مذهبی و غیره به‌تناوب با یکدیگر در ارتباط هستند و به‌تبع این امر، زبان‌های آنان نیز از هم تأثیر می‌پذیرند. در این میان، زبان فارسی به دلیل اینکه، زبان رسمی کشور است، گویش‌وران زبان‌ها و گویش‌های دیگر ایران به‌طور حتم با آن مواجه می-شوند و در بیشتر موارد آن را با توجه به محل و شرایط زندگی و نیز از طریق آموزش‌وپرورش و رسانه ملی از کودکی در کنار زبان مادری خود فرامی‌گیرند (سعیدی و آریان پویا،۱۳۹۴: ۱۴۲). این پدیده‌ی دوزبانگی و تعاملات و ارتباطات، زبان‌ها را در معرض تغییراتی قرار می-دهد. گاهی نیز ممکن است دو زبان به هم‌زیستی در کنار هم ادامه دهند و عناصری از همدیگر قرض بگیرند. علاوه بر وام‌گیری، در اثر این دوزبانگی و همزیستی، پدیده‌های گوناگون دیگری در سطح فردی و اجتماعی در جامعه زبانی ایجاد می‌شوند (ریچی و باتیا[1]، ۲۰۱۳).

1 Ritchi & Bhatia

رمزگردانی[1]، یکی از پدیده‌های رایج حاصل از تعامل و ارتباط بین زبان‌ها و به عبارتی فراورده دوزبانگی است. رمزگردانی، موقعیتی است که در آن دو زبان در یک پاره‌گفتار به‌تناوب بکار برده می‌شوند (هافمن[2]، ۱۹۹۱). رمزگردانی از دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و دستوری مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهشگران دلایل و نتایج رمزگردانی را در قالب دیدگاه‌های مختلف در جوامع زبانی گوناگون موردبحث قرار داده‌اند. در مطالعات مربوط به رمزگردانی، فرگوسن[3] (۲۰۰۹)، براون و گیلمن[4] (۱۹۶۰) و فیشمن[5] (۱۹۶۸) از اولین کسانی بودند که تأثیر عوامل اجتماعی را در رمزگردانی موردتوجه قراردادند (رضاییان، ۲۰۰۹ : ۳۶).

قطعاً زبان نماد اصالت، هویت و فرهنگ هر قوم و ملت هست. بالطبع به‌موازات پیشرفت تکنولوژی و صنعتی شدن و تأثیرپذیری جوامع بشری در ابعاد مختلف، زبان نیز به‌عنوان پدیده‌ای پویا و تأثیرپذیر دستخوش تغییراتی گردیده است. جهانی‌شدن و دلایل سیاسی، اجتماعی مختلف، زبان‌های مادری و محلی را بیشتر از زبان‌های معیار و رسمی تحت تأثیر قرار داده‌اند و امروزه به‌تدریج با خطر تغییر و مرگ این زبان‌ها مواجه هستیم. زبان لکی نیز یکی از جوامع زبانی ایران است که با توجه به پراکندگی جغرافیایی تحت تأثیر برخوردهای زبانی، متحمل تغییراتی شده است. این زبان، زبان اول ساکنان شهرستان کوهدشت است و زبان فارسی معیار در مدرسه آموخته می‌شود. در این میان برخی والدین از بدو تولد، کودکان خود را فقط به سمت زبان فارسی سوق می‌دهند به گونه‌ای که فقط با گونه‌ی فارسی معیار صحبت می‌کنند. برخی دیگر نیز از ابتدا زبان لکی و فارسی را در کنار هم می‌آموزند و در بافت‌های اجتماعی گوناگون، رمز مختص آن موقعیت را به کار می‌گیرند.

هدف پژوهش حاضر بررسی میزان تأثیر متغیرهای اجتماعی چون سن، جنسیت و بافت وقوع گفتار بر پدیده رمزگردانی می‌باشد. می‌توان گفت اهمیت و جایگاه ویژه پژوهش‌های رمزگردانی در زبان‌شناسی اجتماعی، گستردگی و گیرایی این موضوع در مطالعات زبان‌شناختی امروز و نیز وجود زبان‌ها و گویش‌های پرشمار در ایران ،بررسی پدیده رمزگردانی و ارتباط آن

---

1 code switching
2- Hoffman
3- Ferguson
4- Brown & Gillman
5- Fishman

با برخی دیگر از پدیده‌های زبانی را ضروری کرده است. ازآنجاکه زبان فارسی معیار، زبان رسمی ایران است و برخی از فارسی‌زبانان به دلیل تکلم به گونه زبانی محلی‌شان و یا زبان‌های رایج در منطقه که به‌صورت قومی و قبیله‌ای به کار می‌رود ناگزیر در مواقعی بین دوگونه زبانی و یا بیشتر رمزگردانی می‌کنند، نگارندگان لازم دانستند تا به بررسی پدیده رمزگردانی در جامعه لک‌زبان شهرستان کوهدشت بپردازند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رمزگردانی به زبان فارسی در بین زنان دوزبانه لکی- فارسی بیشتر از مردان دوزبانه لکی- فارسی است و همچنین با افزایش سن افراد دوزبانه لکی- فارسی، میزان رمزگردانی به زبان فارسی کاهش می‌یابد و میزان این نوع رمزگردانی در بافت رسمی بیشتر از بافت غیررسمی است.

۲. زبان لکی

۱-۲.موقعیت جغرافیایی شهرستان کوهدشت

شهرستان کوهدشت یکی از شهرستان‌های استان لرستان است. این شهرستان بین ۴۶ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۳ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۵۶ دقیقه عرض شمالی از خط استوا در غرب استان لرستان قرار دارد. کوهدشت از غرب و جنوب غربی به شهرستان اسلام‌آباد غرب، از شرق و جنوب شرقی به ترتیب به شهرستان‌های خرم‌آباد و پل‌دختر و از شمال به شهرستان دلفان محصور می‌شود. مساحت آن ۳۱۳۷ کیلومترمربع است که معادل ۱۲ درصد مساحت استان است. ارتفاع شهرستان از سطح دریا ۱۱۹۵ متر و دارای اقلیم معتدل کوهستانی می‌باشد. حداقل دمای سالانه آن ۲/۶- تا ۱/۷ درجه سانتی‌گراد و حداکثر دمای سالانه آن ۶/۲۴ تا ۴۳ درجه سانتی‌گراد .است. این شهرستان با داشتن جمعیتی ۲۲۰ هزار نفر براساس آخرین سرشماری، چهارمین شهر پرجمعیت استان لرستان محسوب می‌شود (خراسانی،۱۳۹۷، ۶۴).

قدمت شهرستان کوهدشت را با توجه به نقاشی‌های ۱۲ هزارساله میرملاس و غارهمیان و آثار به‌دست‌آمده از سرخ دم لکی، طی کاوش‌های گذشته باستان‌شناسان بسیار طولانی می‌دانند. مستوفی (۱۳۶۱) در کتاب تاریخ برگزیده، از کوهدشت نام برده که قرن‌ها قبل از ورود اعراب از بین رفته است. وی در این زمینه می‌نویسد کوهدشت در دشت بزرگی واقع شده است و

اطراف آن را کوه‌ها احاطه کرده‌اند که ممکن است وجه‌تسمیه آن همین باشد (ایزدپناه،۱۳۹۱). ساکنان کوهدشت غالباً لک‌زبان می‌باشند.

۲-۲. لک زبانان و زبان لکی

لک‌ها گروهی مستقل از اقوام ایرانی‌اند که دارای فرهنگ، موسیقی، آداب‌ورسوم خاص خود هستند. این قوم یکی از سه شاخه اصلی اقوام آریایی به نام مادها هستند که نخستین حکومت و تمدن مدرن را در غرب ایران زمین بنیان نهادند. زبان لک‌ها بازمانده‌ی زبان‌های اوستایی و پهلوی است که به دلیل شرایط جغرافیایی این مناطق، کمتر دچار تغییر و تحول شده است (عالی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۷). نام لک، امروزه نه تنها نام طوایف لک‌زبان است بلکه روستاها و مناطقی چند در سراسر کشور نیز به این نام خوانده می‌شوند که دهستان‌هایی در قروه کردستان، خدابنده (از توابع سنندج) و روستاهایی در شهرستان‌های ارومیه، الیگودرز، میاندوآب و قم از آن جمله‌اند. محل سکونت لک‌زبانان در زاگرس میانی، در استان‌های لرستان، ایلام، کرمانشاه و همدان است. لک‌ها در محدوده استان لرستان در شهرستان‌های نورآباد، الشتر، کوهدشت، خرم‌آباد، بروجرد و توابع آن به سر می‌برند. اقوامی از لک‌های نورآباد، با مهاجرت به شمال ایران، در شهرستان‌های کلاردشت، مکارود، تیت‌دره و کجور سکنی گزیده‌اند. عده‌ای با نام کورونی، از لک‌های طرحان نیز به دهکده‌های خداآباد، شاپور کازرون و چهل چشمه شیراز مهاجرت کرده‌اند. بخشی از لک‌زبانان در کرکوک، خانقین و بخش‌هایی دیگر از کشور عراق نیز سکونت دارند (عالی‌پور،۱۳۸۳: ۱۷).

زبان لکی، زبان طوایف لک ایران و از زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی می‌باشد. از نظر فرهنگی حضور لک‌زبانان در میان دو قوم کرد و لر مشابهت‌هایی را میان آنان رقم زده است؛ اما برخی از پژوهشگران از جمله ایزدپناه (۱۳۶۷)، عسکری‌عالم (۱۳۸۲)، عالی‌پور (۱۳۸۳) و... با در دست داشتن پاره‌ای استنادهای زبان‌شناختی، زبان لکی را به‌هیچ‌وجه به زبان کردی و لری شبیه ندانسته‌اند، بلکه آن را زبانی مستقل و بازمانده از زبان پهلوی کهن عنوان کرده‌اند که به دلیل نزدیکی با گروه‌های کرد و لر در دوره‌های طولانی با آن‌ها امتزاج یافته و بسیاری از

عناصر فرهنگی-زبانی آن‌ها را فراگرفته‌اند (ابراهیمی،۱۳۹۳: ۹). گویش موردبررسی در این پژوهش، گویش لک‌زبانان شهرستان کوهدشت می‌باشد.

۳.چارچوب نظری پژوهش

میرز- اسکاتن[1] (۱۹۹۳) در مدل نشان‌داری خود بیان می‌کند که گویش‌وران، نوعی احساس نشان‌داری پیرامون رمزهای زبانی در دسترس برای هر تعامل دارند، اما رمز خود را بر اساس شخصیت و یا ارتباط با سایرین انتخاب می‌کنند. این نشانداری، هنجاری درون اجتماع دارد و گویشوران نیز از نتایج انتخاب‌های نشان‌دار یا غیرمنتظره آگاه هستند. از آنجا که انتخاب بی‌نشان امن‌تر است، گویش‌وران عموماً انتخاب بی‌نشان را برمی‌گزینند، اما همیشه هم این‌گونه نیست. گویش‌وران هزینه‌ها و پاداش‌های احتمالی تمام گزینه‌های ممکن را ارزیابی می‌کنند و آنگاه تصمیم خود را اتخاذ می‌کنند که معمولاً ناخودآگاهانه می‌باشد (گامپرز[2]، ۱۹۸۲: ۱۵).

نظریه تطابق ارتباطی نیز که یک دیدگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی زبان است از سوی هاوارد گایلز[3]، در دهه ۱۹۷۰ ارائه شد. این نظریه کاربردگرایانه به بررسی شیوه‌های متنوع تنظیم کلام، نگارش، آواز، رادیو، شرح مذاکرات دادگاه و تعامل انسان و کامپیوتر می‌پردازد. مفهوم اصلی این نظریه این است که در یک تعامل اجتماعی، افراد شرکت‌کننده در تعامل انگیزه دارند که سبک گفتارشان را با یکدیگر تطبیق دهند، این تطابق برای کسب تأیید اجتماعی و سودمندی ارتباط میان تعامل‌کنندگان و حفظ نگرش اجتماعی مثبت صورت می‌گیرد (گایلز و اُگی[4]، ۲۰۰۶: ۲۹۷). طرح نظریه تطابق ارتباطی در دهه ۱۹۷۰، توجه خیلی از دانشمندان در حوزه‌های مختلف با اهداف توجیهی و کاربردی را به خود جلب کرد. از این نظریه در توضیح رفتارهای تعاملی متفاوت در حوزه‌های مختلف علمی مانند علوم کامپیوتر و زبان‌شناسی و همچنین در طرح قابلیت‌های جدید در حوزه‌های گوناگون استفاده شده است

1- Myers-Scotton
2- Gumperz
3- Giles
4- Ogay

(رحیمیان، ۲۰۱۰: ۱۲). گایلز، کوپلند و کوپلند[1] (۱۹۹۱) معتقدند دلیل پذیرش نظریه تطابق ارتباطی در حوزه‌های مختلف، قدرت توجیهی آن در پوشش نیازهای ارتباطی بافت‌های خرد و کلان در چارچوب تفسیری و نظری می‌باشد.

نظریه تطابق ارتباطی، نظریه‌ای چندنقشی است که هم به ارتباط در اصطلاح ذهنی و هم در اصطلاح عینی مفهوم می‌بخشد، بر ویژگی‌های بین‌گروهی و بین‌فردی تمرکز می‌کند و قابلیت یکپارچه کردن تنوع فرهنگی را نیز دارد. نظریه تطابق ارتباطی علاوه بر عوامل فردی، دانش، انگیزه و مهارت، به اهمیت قدرت و عوامل کلان بافت نیز می‌پردازد (گالویس[2] و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۲۷). یعنی می‌توان گفت افراد برای دستیابی به سطح مطلوب فاصله اجتماعی بین خود و شنونده، زبان را به شیوه‌های گوناگون مورد استفاده قرار می‌دهند. اغلب همهٔ افراد خود را به لحاظ کلامی و غیرکلامی با دیگران مطابقت می‌دهند و از تطابق دیگران با خود در سطوح مختلف نیز آگاه‌اند. چنین تجربه‌هایی در موقعیت‌هایی مانند کلاس درس، دادگاه، تجارت و غیره صحیح است ((گایلز و نوئلز[3]، ۲۰۰۷: ۱۴۱). نظریه تطابق ارتباط، بر پایه دو عبارت «تلاش برای کسب جذابیت اجتماعی» و «تلاش برای کسب کارایی[4] ارتباطی» از سوی گویشور استوار است. در پی کسب قضاوت مطلوب از سوی مخاطب، انتظار می‌رود که فرد جهت گفتار خود را از برخی جنبه‌ها به سمت و سوی شنونده هم‌گرا نماید. از سوی دیگر، واگرایی می‌تواند تمایل به کاهش صمیمیت را نشان دهد، تغییر نیافتن یا انحراف از مسیر ارتباطی و ثابت ماندن آن نیز عملکردی مانند واگرایی دارد (کوپلند، ۲۰۰۷: ۶۲).

گایلز و همکاران (۱۹۸۷) معتقدند که گویش‌وران در تعاملات اجتماعی، تمایل به دریافت تأیید اجتماعی از سوی شنوندگان خود دارند و گفتار خود را در راستای زبان شنونده و برای دریافت تأیید وی تغییر می‌دهند. این به معنای همگرایی[5] یا تطابق می‌باشد. با این حال، در بعضی از شرایط، گوینده ممکن است مایل به ایجاد تمایز بین خود و شنونده باشد. او این کار

1- Coupland & Coupland
2- Gallois
3- Noels
4- efficiency
5- convergence

را با تأکید بر تفاوت بین خود و شنونده از طریق انتخاب زبانی انجام می‌دهد و این عمل، واگرایی گفتار[1] نام دارد (باسیونی[2]، ۲۰۰۶: ۱۵۹).

۴. پیشینه پژوهش

رمزگردانی، به‌عنوان یک پدیده گفتاری در ابتدا خیلی موردتوجه پژوهش‌گران در حوزه دوزبانگی قرار نگرفت و صرفاً به‌عنوان تداخل در گفتار دوزبانه محسوب می‌شد که استفاده از آن نشان‌دهنده عدم توانایی گویش‌ور دوزبانه در اجرای یک گفتگوی کامل و بی‌نقص در زبان مورداستفاده بود (میرز–اسکاتن، ۱۹۹۳: ۴۷). در پژوهش‌های بعدی به‌صورت گسترده‌ای توافق شد که وقوع رمزگردانی تصادفی نیست، بلکه تحت تأثیر عوامل زبانی و فرازبانی می‌باشد.

تعاریف گوناگونی از رمزگردانی ارائه گردیده است؛ اما به‌طورکلی، رمزگردانی فرآیندی است که طی آن دوزبانه‌ها از منابع زبانی در دسترس، برای اهداف اجتماعی و ادبی استفاده می‌کنند و آن‌ها را به شیوه‌های مختلف باهم درمی‌آمیزند (میرز– اسکاتن، ۲۰۰۲: ۳). میرز– اسکاتن، رمزگردانی را به‌عنوان «کاربرد دو زبان در یک پاره‌گفتار» تعریف می‌کند. او همچنین بیان می‌کند رمزگردانی به‌عنوان رفتار گفتاری، حاصل برخورد زبانی و هم‌جواری یا دسترسی به دو نظام زبانی در واژگان ذهنی می‌باشد. بررسی تأثیر این مجاورت در رفتار زبانی نه‌تنها فرصتی منحصربه‌فرد برای فهم بهتر دانش زبانی ناآگاه که در اذهان گویشور وجود دارد، فراهم می‌آورد، بلکه کمک می‌کند تا یافته‌ها و فرضیات دربارهٔ زبان‌های فردی را آزمایش کنیم (همان: ۵). پاپ لاک[3] (۱۹۸۵) رمزگردانی را تناوب دو زبان درون گفتار، جمله یا سازه‌ای واحد تعریف می‌کند؛ اما فیشر[4] (۱۹۷۲) با محدود کردن وقوع رمزگردانی به مرز بین جمله و بند اظهار می‌کند که رمزگردانی هنگامی روی می‌دهد که یک گویش‌ور بیش از یک‌زبان در پاره‌گفتاری بالاتر از سطح بند استفاده می‌کند تا انگیزه‌اش را به‌طور صحیح انتقال دهد.

نیلپ[5] (۲۰۰۶) رمزگردانی را عمل طرفین ارتباط در تغییرات بافتی با استفاده از نظام‌ها و زیر نظام دستوری یا کدهای متناوب تعریف می‌کند. اسپالسکی[1] (۱۹۹۸) نیز رمزگردانی را

1- speech divergence
2- Bassiouney
3- Poplack
4- Fischer
5- Nilep

برحسب محل وقوع در گفتار مورد مطالعه قرار داده و معتقد است افراد دوزبانه غالباً در حین گفتگو از زبانی به زبان دیگر روی می‌آورند. این نوع رمزگردانی (منظور از رمز، هر یک از زبان‌هاست) ممکن است در بین جملات، در داخل جملات و درون شبه‌جمله‌ها، واژگان و حتی در میان بخش‌هایی از لغات صورت گیرد . بر این اساس دو نوع رمزگردانی وجود دارد: رمزگردانی درون‌جمله‌ای[2] و رمزگردانی برون‌جمله‌ای[3]. در نوع اول، رمزگردانی بین زبان‌ها، درون گزاره‌ها یا حتی کلمات رخ می‌دهد. این نوع رمزگردانی از دیدگاه دستوری موردبررسی قرار می‌گیرد. در نوع دوم، رمزگردانی بین جملات و گزاره‌ها صورت می‌گیرد به‌طوری‌که یک جمله یا گزاره از یک‌زبان و جمله یا گزاره بعدی از زبان دیگر است و برای بررسی این نوع رمزگردانی از دیدگاه جامعه‌شناختی استفاده می‌شود (غیاثیان و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

همانگونه که مشخص است در حوزه رمزگردانی در بین زبان‌های مختلف، تحقیقات زیادی صورت گرفته است. در کشور ما نیز این تحقیقات در قالب مقالات و پایان‌نامه‌هایی ارائه شده‌اند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود.

پورحسینی (۱۳۹۳) در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد خود با عنوان رمزگردانی از دیدگاه کلامی این مبحث را در دوزبانه‌های کُردی – فارسی تحلیل کرده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد به‌جز جنسیت، سایر عوامل در رمزگردانی تأثیر ندارد. وی همچنین عنوان می‌کند رمزگردانی در کلام هدف‌دار است.

غیاثیان و رضایی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان بررسی پدیده رمزگردانی با نگاهی به گفتار دوزبانه‌های ارمنی-فارسی تهران به بررسی پدیدهٔ رمزگردانی در گفتار دوزبانه‌های ارمنی – فارسی تهرانی پرداخته‌اند. نتایج به‌دست‌آمده بدین‌صورت است که در مکالمات این افراد، رمزگردانی از هر دو نوع درون‌جمله‌ای و برون‌جمله‌ای اتفاق می‌افتد. همچنین نتایج نشان داد که رمزگردانی درون‌جمله‌ای، بسامدی بالا دارد و به‌این‌ترتیب کلمات بسیاری از زبان فارسی در مکالمات ارمنی به کار می‌روند. همچنین رمزگردانی برون‌جمله‌ای و درون‌جمله‌ای که در مکالمات ارمنی دوزبانه‌های ارمنی – فارسی صورت گرفته نشان می‌دهد که گوینده دوزبانه گاهی بر اساس تغییر موقعیت و با هدف تأثیرگذاری بیشتر و یا به‌منظور نقل‌قول مستقیم،

1- Spolsky
2- intra-sentential
3- inter-sentential

هنگام صحبت کردن به زبان ارمنی، به زبان فارسی نیز تغییر رمز می‌دهد و بخشی از گفته‌های خود را به زبان فارسی بیان می‌کند.

سعیدی و آریان پویا (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر فرآیند رمزگردانی بـه تحلیـل فرآیند رمزگردانی در گویش‌وران دوزبانه پرداخته‌اند. نتایج بررسی‌ها در این پـژوهش، تفـاوت میزان وقوع رمزگردانی افراد در بافت خانواده و بافـت محـل کـار و نیـز تـأثیر عوامـل سـن و جنسیت را بر این میزان به نمایش می‌گذارد.

حیدری و سمائی (۱۳۹۴)، مقاله‌ای با عنوان رمزگردانی دوزبانـه‌های ترکـی آذری–فارسـی در پرتو مدل زبان ماتریس و نظریه صفر به ثبت رسانده‌اند. تحلیل داده‌ها نشان داد که عناصر یا سازه‌های زبان فارسی به‌طور کامل در چارچوب نحوی – ساخت‌واژی زبان ترکی آذربایجـانی انتخاب می‌شوند و آرایش سازه‌ها در این ساخت‌ها از نحو و دستور زبان ترکـی آذری پیـروی می‌کنند، بنابراین در ساخت‌های رمزگردانی شده، زبـان آذری بـه‌عنوان زبـان مـاتریس و زبـان فارسی به‌عنوان زبان درونه نقش ایفا می‌کنند.

کاشفی (۱۳۹۵) در پایان‌نامۀ کارشناسی ارشد خود با عنـوان بررسـی پدیـده رمزگردانـی در بین گویش‌وران دوزبانه موضوع رمزگردانی و تأثیر عوامل شخصیت، جنسیت و سن بـر میـزان رمزگردانی دوزبانه‌های گیلکی- فارسی ساکن رشت را بررسی کرده است. نتیجۀ پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی شخصیتی افراد بر میزان رمزگردانی پایدار بیشتر است. همچنین با توجـه بـه نتایج کمّی پژوهش، رمزگردانـی بـا جنسـیت افـراد رابطـۀ معنـاداری نداشـته و عامـل سـن و رمزگردانی با یکدیگر رابطۀ معکوس دارند.

بشیرنژاد (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان تحلیلی اجتماعی–زبان شناختی بر جایگاه و کاربرد مازندرانی و فارسی در استان مازندران به ارزیابی جایگاه اجتمـاعی گونـۀ زبـانی مازنـدرانی و میزان کاربرد آن در حوزه‌های گوناگون، در استان مازندران می‌پردازد. بررسی داده‌هـا نشـان داد که به‌طور نسبی، بیشترین کاربرد گونۀ زبانی مازندرانی به حوزۀ خانواده تعلـق دارد و هـر چـه حوزه کاربرد آن رسمی‌تر شود، میزان بهره‌گیـری از گونـۀ زبـانی مازنـدرانی کـاهش مـی‌یابـد. پژوهش همچنین نشان داد که در حوزۀ آموزش رسمی، گونـۀ زبـانی، اغلـب اجبـاری بـوده و فارسی معیار، بر گونۀ مازندرانی چیرگی دارد.

حال با توجه به کارهای انجام شده می‌توان گفت که موضوع رمزگردانی و تاثیر عوامل اجتماعی بر آن مبحث گسترده‌ای است که می‌توان آن را در زبان‌های مختلف بررسی کرد. با توجه به اینکه این مبحث در لکی مورد بررسی قرار نگرفته است، لذا در این پژوهش سعی شده است با بررسی مثال‌هایی این مطلب بررسی شود.

۵. روش تحقیق

در نتیجه مطالعات صورت گرفته، سه عامل سن، جنسیت و بافت وقوع گفتار به عنوان متغیرهای این تحقیق در نظر گرفته شد تا تأثیر یا عدم تأثیر این عوامل بر میزان رمزگردانی دوزبانه‌های لکی/فارسی مشخص گردد. پژوهش حاضر به دو روش کمّی و کیفی صورت گرفته است. به این منظور ابتدا مطالعات کتابخانه‌ای از منابع گوناگون شامل کتب، پایان‌نامه‌ها، مقالات بین‌المللی و داخلی، مجلات مختلف زبان‌شناسی و منابع اینترنتی انجام گرفت تا آگاهی‌های لازم درباره شیوه‌های متنوع پژوهشی مورد استفاده در علوم اجتماعی به طور کلی و پدیده رمزگردانی به طور خاص حاصل گردد. پس از مطالعه منابع، فیش‌برداری از مطالب مهم و مرتبط، انجام و شیوه انجام پژوهش و همچنین چارچوب نظری اتخاذ گردید. مطالعه آثار پیشین در این حوزه نیز در انتخاب شیوه پژوهش الهام‌بخش بود. پژوهش حاضر در شهرستان کوهدشت به‌عنوان بزرگ‌ترین شهرستان لک‌زبان استان لرستان، میان ۱۲۰ نفر زن و مرد که همگی بومی این شهر بودند صورت گرفت. زبان اول این افراد لکی بود. ابتدا شش گروه ۲۰ نفره جهت جمع‌آوری داده‌ها از یکدیگر تمایز داده شدند و سپس از طریق ضبط گفتار طبیعی و مشاهده مستقیم بین سه گروه سنی ۱۳–۷، ۲۵–۱۸ و ۵۰ سال به بالا و در دو گروه جنسیتی و در دو بافت وقوع رسمی و غیررسمی انجام شد. به منظور دستیابی به نتایج دقیق‌تر، محققان به صورت نامحسوس در فرایند ضبط صوت و انجام مکالمات شرکت داشتند. آنچه تحت عنوان رمزگان زبانی در این پژوهش مطرح است زبان لکی و زبان فارسی است.

مشاهده، گام اول در انجام پژوهش‌های کیفی به شمار می‌رود. مشاهدهٔ مستقیم می‌تواند در تحلیل اطلاعات و به دست آمدن نتایج سودمند باشد؛ بنابراین علاوه بر ضبط صدا، گروه‌ها به‌صورت نامحسوس مورد مشاهدهٔ مستقیم قرار گرفتند و با حضور بی‌واسطه در کل مراحل جمع‌آوری داده‌ها آنچه را که در حین گفت‌وگو روی می‌داد، بادقت ضبط و ثبت شد. قطعاً در

ضبط مکالمات، آگاهی از ضبط صدا سبب ایجاد تغییر تعمدی در شیوه کلام خواهد شد؛ بنابراین، به‌منظور جلوگیری از بروز واکنش با توجه به حضور در موقعیت جدید، فرآیند ضبط صدا به‌صورت نامحسوس صورت گرفت؛ زیرا قصد پژوهش‌گران بررسی تئوری تطابق در گفتارعادی افراد است نه گفتار محتاطانه. بعد از ضبط صدا و پایان مکالمات، شرکت‌کننده‌ها از ضبط صدا مطلع گردیدند و نگارندگان از آنان کسب رضایت نمود و اطمینان یافتند که هویت شخصی‌شان محفوظ خواهد ماند.

قبل از شروع ضبط مکالمات روزمرۀ افراد، گروه‌بندی سنی انجام گرفت و دو بافت رسمی (مدرسه و ادارات) و غیررسمی (خانواده، بازار و همسایگی) در نظر گرفته شد. در انتخاب شرکت‌کننده‌های پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس استفاده شد. ضبط گفتار، طبق جدول زمان‌بندی از پیش تعیین شده طی ۱۰ جلسه و هر جلسه در بافت مشخصی انجام می‌گرفت. در بافت مدرسه با همکاری و آگاه نمودن یکی از معلمان از فرآیند پژوهش، طی ۶ جلسه و در هر جلسه به مدت ۴۵ تا ۶۰ دقیقه در فضایی صمیمی به بحث و تبادل نظر با معلمان، دانش‌آموزان و عوامل اجرایی مدرسه پرداخته شد و از طریق گفتگو داده‌های بیشتری در ارتباط با رمزگردانی به دست آمد. علاوه بر مدرسه، بیش از سه ساعت ضبط مکالمه با موضوعات مختلف در محیط خانواده و بازار نیز با دقت انجام شد. پس از ضبط صدا، داده‌ها مربوط به رمزگردانی ثبت و مورد تحلیل، ارزیابی و مقایسه قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها براساس آمار و ارقام واقعی مربوط به میزان رمزگردانی شرکت‌کننده‌ها می‌باشد و نتایج حاصل در قالب جدول، نمودار و تفاسیر مربوطه ارائه شده است. نتایج نشان‌دهندۀ رابطه هریک از متغیرها با میزان رمزگردانی افراد می‌باشد. نتایج کمّی برمبنای چارچوب فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است.

۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت ابتدا نمونه‌هایی از داده‌ها ارائه شده است ؛ سپس با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده از رمزگردانی در بین گویش‌وران دوزبانه لکی و فارسی، تجزیه‌وتحلیل با استفاده از آمار توصیفی به دست آمده و آزمون خی، دو صورت گرفته است.

۶-۱.نمونه‌هایی از داده‌های حاوی رمزگردانی

در این بخش نمونه‌هایی از داده‌های حاوی رمزگردانی که در گروه‌های سنی مختلف جمع‌آوری شده است ارائه می‌شود.

بافت رسمی	
گروه سنی	**مثال**
۱۳-۷	Beri tû qül ʔow ʔaz saretam rad mishe. بری تو قسمت عمیق آب از سرت رد میشه.
	Qäpam dard make. قوزک پام درد می‌کنه.
	ʔësa ʔïn čï gofte? حالا این چی گفته؟
	Raftan bāĭāye čiyā. رفتن بالای تپه.
	ʔAli tar man mikone علی ادای منو در میاره.
	Sedāye šeĭpeye ʔāb bud? صدای شرشر آب بود؟
	Na, sedāye čaqeye dar bud. نه، صدای باز شدن در بود.
	Tāwene man nabud xodeš sarešo kubund be miz. تقصیر من نبود خودش سرشو کوبید به میز.
	ʔaz ki sanidiš? از کی خریدیش؟
	Kār māĭ mikonan vaxt nadāran biyān madrese. مشغول ساخت خانه هستن. نمیتونن بیان مدرسه.
	Jākatet varopešta. ژاکتت پشت‌ورو هست.
	Faqat ye jājek bāš xaridam. فقط یه آدامس باهاش خریدم.
	Kutāhe ye pāšam mišale. کوتاه‌قد و یک پاش هم می‌لنگه.
	kifamer. ku? ʔani ketāb fārsyat hā پس کتاب فارسیت کو؟ تو کیفمه.
	Muši ʔumad tu kelāsemun bačehā hame qižāndan raftan birun. موشی اومد تو کلاسمون. بچه‌ها همه جیغ کشیدن و رفتن بیرون.

Dar ʔo panjerehā žaŋ zadan. در و پنجره‌ها زنگ زدن. sare xiyābāne ʔarzān mifruše. Ye vāřek feruš یه جوجه‌فروش سر خیابانه ارزان می‌فروشه. .Gofte gwela ʔāženešun mikonam گفته تیربارانشان می‌کنم. Gela gela bešmār tāhesab dorost dar biad. دونه‌دونه بشمار تا حساب درست در بیاد. Pül nadaštam gušt pas bexaram keȋašërë sar boridam. پول نداشتم گوشت گوسفند بخرم خروسی سر بریدم. Bebin če ʔasri mirize. ببین چه اشکی می‌ریزه Vejāx kur yani kesi ke pesar nadāre. اجاق‌کور به کسی میگن که پسر نداشته باشه. ʔin giyāh ʔesmeš denān tëžkeras. اسم این گیاه خرفه‌ست. Ki ʔāgero kur kard? کی آتیشو خاموش کرد. ʔābe daryāče lëxen bud diruz. دیروز آب دریاچه گل‌آلود بود. ow kam beřšen sarriz mišeʔ آب کمتر بریز سرریز میشه. Kaȋeŋ gwejari hāliš nist. کوچک‌تر بزرگ‌تر حالیش نیست. Čan gela domaȋān sorx kardim xordim. چند تا دنبلان سرخ کردیم خوردیم. Berākam ʔun kelkawna čan gerama? برادر، اون انگشتر چند گرمه؟ Čera ʔeqa halā halā mikoni? چرا این‌قدر عجله داری؟	۱۸-۳۵

Panštā zōmā dāram bā se tā bōwi. Bëgāne nistan. Fāmilan. پنج تا داماد دارم با سه تا عروس. غریبه نیستن. فامیلن. Vaxti doxtar šowhar mikone, zōmā barāye hasōre xelāt mixare. وقتی دختر شوهر می‌کنه، داماد برای خانواده عروس کادو می‌خره. Me sāwāt nadāram nemitānam bexānam. من سواد ندارم نمیتونم بخوانم. ʔaž ku bārem? darāmadam čiye? از کجا بیارم؟ درآمدم چیه؟ Hāme rustā. درروستا هستم. ʔar buwārë nemiram. اگر باران بباره، نمیرم. Bebinam ye gela sāĭem peydā mikonam. ببینم می‌تونم یه دونه سالم پیدا کنم. Diruz havā xub bud ʔagardë māĭhomsā raftim piāderavi. دیروز هوا خوب بود با همسایه‌ها رفتیم پیاده‌روی. Dokter kwel badanem žāna make.nemitunam nafas bekišam دکترتمام بدنم درد میکنه. نمیتونم نفس بکشم. Zeĭzeĭe māĭhāmāno xarāb kerd. Pül nadārim doresteš konim. زلزله کل خونه‌هامونو خراب کرد. نمی‌تونیم تعمیرش کنیم. Pas o pulehāmuno āb borde. Darāmadi nadārim. گله‌هامونو آب برده درآمدی نداریم. 500 metr faqat žërbanāše dōbariše. ۵۰۰ متر زیربناشه. دو بر هم هست. Kākilam xeili dard mikone. دندان آسیابم خیلی درد میکنه. Ye maseĭati mige: ʔagar mixāy tasōq šavi yā dőr šavi ya bamiri. یه ضرب‌المثل میگه: اگر میخوای عزیز بشی، یا دور بشی یا بمیری. Barāye 5 milyān vām dō gela zāmen mixān. برای ۵ میلیون وام دو ضامن میخوان.	۵۰ سال به بالا

بافت غیر رسمی	
مثال	**گروه سنی**

Merxāro bokonam tu lāne? مرغارو بکنم تو لانه؟ Meĭč maĭč nakon hālam bad miše. ملچ‌ملوچ نکن حالم بد میشه. Nani dāšt mur miyāvord. مامان‌بزرگ داشت مویه می‌کرد. Či šod nakoĭid? چی شد نپخت؟ Mān ʔarā nemiri xuneye nani ʔinā? مامان، چرا نمیری خونه مامان‌بزرگ اینا؟ Dāram dān barāye jekehā mirizam. دارم برای گنجشکا دانه می‌ریزم. Kweček rëza pore tu berenješun bud. سنگ‌ریزه پر توی برنجشون بود. Daŋ qāĭe qüë miyād. Guš kon. صدای دادوفریادی میاد. گوش کن Mage nagoftam noro bāšga? Na kwera, bečem behtare. مگه نگفتم نرو باشگاه؟ نه بابا برم بهتره. Čera tukešo mirizi ru qāli? چرا پوستشو می‌ریزی روی قالی؟ Māmān kami čenjek barām mixari? مامان کمی تخمه برام می‌خری؟ Lebāsāt hoškan. Biyā jamešun kon. لباسات خشک شدن بیا جمعشون کن. Man goftam næharin? من گفتم نخورین؟ Māmān qwełape čiye? مامان قلپه (قوزک) چیه؟ Man bā bāpire miram dokan. من با بابابزرگ میرم مغازه.	۱۳-۷

Se tā žërguši biār. سه تا بالش بیار. Bā fāf šostam xub pāk šode. با پودر لباسشویی شستم خوب تمیز شده. Bā hačine sefid bāt beduziš. با نخ سفید باید بدوزیش. ʔin hame pite parû čye dowre xodet jam kardi? این همه پارچه کهنه چیه دور خودت جمع کردی؟ Turide, xuneye mā nemiyād. قهر کرده خونه ما نمیاد. Gelābār goftam. برگرد گفتم. Xub gušto behanjen. گوشتو خوب خرد کن. Heĭa peĭa naxor. عجله عجله نخور Čāqu tëž nadārin? چاقوی تیز ندارین؟ Mal o mur por zire qāliyas. حشره پر زیر قالیاس. Dast be ʔun mivehā nazan.šāyad řëyārë ʔumad. به اون میوه‌ها دست نزن. شاید مهمان اومد. Va to če řaftë dare? به تو چه ربطی داره؟ Do šow bā bačehā žëre dāwār xābidim. دو شب با بچه‌ها زیر سیاه‌چادر خوابیدیم. Qoĭi māmānam: zaĭat naču. به قول مادرم: نترس. Gel gelë bā ham mirim kwëgardi. بعضی وقت‌ها با هم میریم کوهنوردی.	۱۸–۳۵

۵۰ سال به بالا	Gaĭë nān bār,gusto bezāram lāš. کمی نان بیار گوشتو بذارم توش. Hadaqaĭ tā joma busen bæʔd berin. حداقل تا جمعه بمونین بعد برین. Māsteš xeili sefte. Čaxu ham kaleš nemikone. ماستش خیلی سفته. چاقو هم اونو نمی‌بره. Čün ʔāmadi tā ʔinjā? چطوری تا اینجا آمدی؟ ʔāqā gade kiluei čan? آقا سیرابی کیلویی چنده؟ ʔarusye bāhāli bū, mar na? عروسی باحالی بود، مگه نه؟ Keĭ keĭa sürānë rā endāxt ke nagu. جنجالی به پا کرد که نگو. Qesa hüčkasë guš nemide. حرف هیچ کسی را گوش نمیده. a bi har mušin: vaqt nadāram vaqt nadāram.č چی شد همش میگی: وقت ندارن وقت ندارم. Gofti čan pāš ʔāb berizam tuš? گفتی چند لیوان آب بریزم؟ Dasteš kow šode. Nemitune harekateš bede. دستش کبود شده. نمی‌نونه حرکتش بده. Boro tu ʔenternet bebin dāruye qwel žān ča has? برو توی اینترنت ببین داروی پادرد چی هست؟ Ruye ye pař̌e qāz benvis tāga yādet nare. روی یه تکه کاغذ بنویس تا یادت نره. Ye pař̌uwe beband dowre saret tā tuz nare tu muāt. یه دستمال ببند دور سرت تا گردوخاک نره تو موهات. Gelačen nakon xānem. Darham bexar. دست‌چین نکن خانم. درهم بخر.

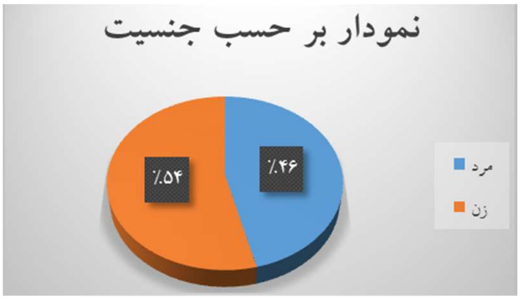
۲-۶. آمار توصیفی

اطلاعات مربوط به شاخص‌های توصیف جمعیت برای افـراد نمونـه در جـداول (۱ تـا ۶) درج شده است. این اطلاعات میزان رمزگردانی براساس توزیع سنی، جنسـیت و بافـت وقـوع گفتار را در بافت نمونه نشان می‌دهد.

جدول(۱) اطلاعات توصیفی مربوط به میزان رمزگردانی بر اساس جنسیت کل افراد نمونـه بدون محدودیت در بافت را نشان می‌دهد. براساس جدول ذیـل رمزگردانـی بـه زبـان فارسـی بیشتر در میان زنان (۵۴ درصد) و با درصد کمتر در میان مردان (۴۶ درصد) صورت می‌گیرد.

جدول ۱- میزان رمزگردانی براساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۷۶	۴۶
زن	۸۹	۵۴
جمع	۱۶۵	۱۰۰



نمودار ۱- رمزگردانی برحسب جنسیت پاسخ‌دهندگان

جدول(۲) اطلاعات توصیفی مربوط به میزان رمزگردانی بر اساس جنسیت افراد نمونـه در بافت رسمی می‌باشد. جدول ذیل نشان می‌دهد رمزگردانی به زبان فارسی در بافـت رسـمی در میان زنان (۵۴ درصد) و در میان شرکت‌کنندگان مرد با میزانـی کمتـر یعنـی (۴۶ درصـد) رخ می‌دهد.

جدول ۲- جنسیت بر اساس بافت رسمی

جنسیت	فراوانی	درصد

مرد	۴۴	۴۸
زن	۴۷	۵۲
جمع	۹۱	۱۰۰

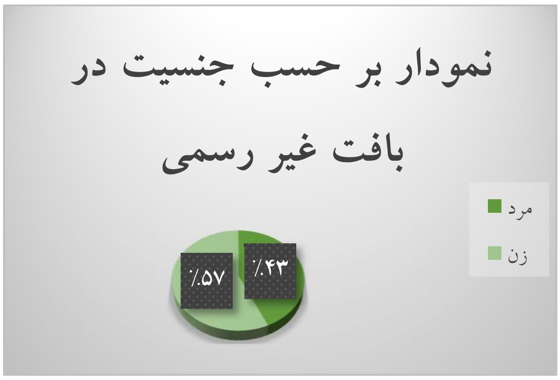


نمودار ۲- رمزگردانی برحسب جنسیت براساس بافت رسمی پاسخ‌دهندگان

جدول(۳) اطلاعات توصیفی مربوط به میزان رمزگردانی را براساس جنسیت افراد نمونه در بافت غیررسمی نشان می‌دهد. جدول ذیل نشان می‌دهد بیشترین رمزگردانی به زبان فارسی در بافت غیررسمی در بین زنان (۵۷ درصد) و کمترین میزان مربوط به جنسیت مرد (۴۳ درصد) می‌باشد.

جدول ۳- جنسیت بر اساس بافت غیررسمی

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۳۲	۴۳
زن	۴۲	۵۷
جمع	۷۴	۱۰۰

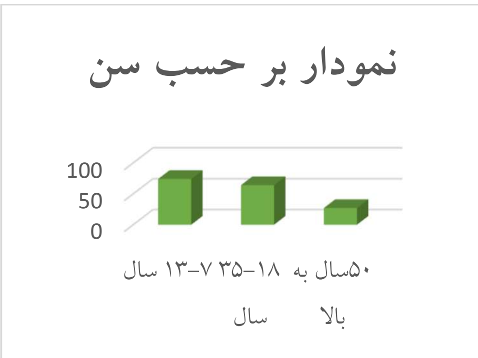


نمودار ۳- رمزگردانی برحسب جنسیت بر اساس بافت غیررسمی پاسخ‌دهندگان

جدول(۴) اطلاعات توصیفی مربوط به میزان رمزگردانی براساس سن افراد نمونه است که در هر دو بافت مورد بررسی قرار می‌گیرد. دامنه سنی افراد نمونه بین ۷ تا ۱۳ سال تا بیشتر از ۵۰ سال می‌باشد. همان‌گونه که جدول نشان می‌دهد کمترین درصد رمزگردانی به زبان فارسی مربوط به گروه سنی بیشتر از ۵۰ سال (۱۶ درصد) و بیشترین درصد رمزگردانی به گروه ۷ تا ۱۳ سال (۴۵ درصد) اختصاص دارد.

جدول ۴- میزان رمزگردانی براساس سن

دامنه سنی	فراوانی	درصد
۷–۱۳	۷۴	۴۵
۱۸–۳۵	۶۴	۳۹
۵۰ سال به بالا	۲۷	۱۶
جمع	۱۶۵	۱۰۰

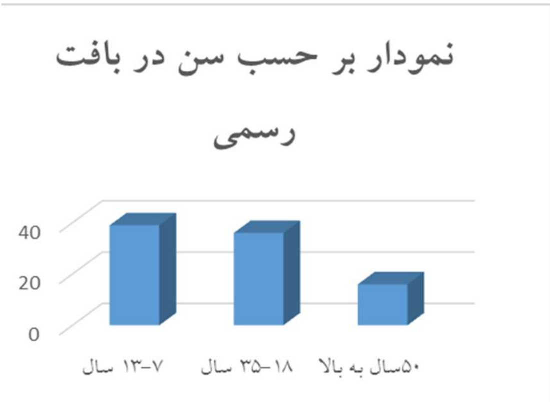


نمودار ۴- میزان رمزگردانی برحسب سن پاسخ‌دهندگان

جدول(۵)اطلاعات مربوط به میزان رمزگردانی براساس سن افراد نمونه در بافت رسـمی را نشان می‌دهد که دامنه سنی افراد نمونه بین دامنه سنی (۷ تا ۱۳ سال) تا دامنه سنی (بیشـتر از ۵۰ سال) می‌باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، کمترین درصد رمزگردانی به زبان فارسـی در بافت غیررسمی در حجم نمونه به گروه سنی بیشتر از ۵۰ سال (۱۸ درصد) و بیشـترین میـزان رمزگردانی در این بافت به گروه سنی ۷ تا ۱۳ سال (۴۳ درصد) اختصاص دارد.

جدول ۵- میزان رمزگردانی پاسخ‌دهندگان در بافت رسمی براساس سن

دامنه سنی	فراوانی	درصد
۷-۱۳	۳۹	۴۳
۱۸-۳۵	۳۶	۳۹
۵۰ سال به بالا	۱۶	۱۸
جمع	۹۱	۱۰۰



نمودار ۵- میزان رمزگردانی برحسب سن پاسخ‌دهندگان در بافت رسمی

جدول ۶ میزان رمزگردانی براساس طبقه‌بندی سنی افراد نمونه در بافت غیررسمی را نشـان می‌دهد که دامنه سنی افراد نمونه بین دامنه سنی (۷ تا ۱۳ سـال) تـا دامنـه سـنی (بیشـتر از ۵۰

سال) می‌باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود کمترین درصد رمزگردانی به زبان فارسی در بافت غیررسمی در حجم نمونه مربوط به گروه سنی بیشتر از ۵۰ سال (۱۵ درصد) و بیشترین درصد در حجم نمونه مربوط به گروه سنی ۷ تا ۱۳ سال (۴۷ درصد) می‌باشد.

جدول ۶- میزان رمزگردانی پاسخ‌دهندگان در بافت غیررسمی براساس سن

دامنه سنی	فراوانی	درصد
۱۳–۷	۳۵	۴۷
۳۵–۱۸	۲۸	۳۸
۵۰ سال به بالا	۱۱	۱۵
جمع	۷۴	۱۰۰



نمودار ۶- میزان رمزگردانی برحسب سن پاسخ‌دهندگان در بافت غیررسمی

مقایسه داده‌ها در جداول مربوط به بافت رسمی و غیررسمی نیز نشان می‌دهد میزان رمزگردانی به زبان فارسی در گروه‌های مختلف سنی و با جنسیت‌های مختلف در بافت رسمی بیشتر از بافت غیررسمی اتفاق می‌افتد. همان‌گونه که دیدیم این میزان در بین زنان و گروه‌های سنی پایین‌تر بیشتر می‌باشد.

۷. نتایج پژوهش

فرضیهٔ اول:

H0: رمزگردانی به زبان فارسی در بین زنان دوزبانه لکی- فارسی بیشتر از مردان دوزبانه لکی- فارسی نیست.

H1: رمزگردانی به زبان فارسی در بین زنان دوزبانه لکی- فارسی بیشتر از مردان دوزبانه لکی- فارسی است.

جدول ۸- آزمون خی دو در بین دو گروه مردان و زنان گویشور دوزبانه لکی-فارسی

سطح معنی‌داری۲	سطح معنی‌داری ۱	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	ارزش	
		۰/۰۰۰	۱	۴/۸۷	آزمون خی‌دو
۰/۰۱۸	۰/۰۲۱				آزمون فیشر

همان‌طور که در جدول(۸) مشاهده می‌شود سطح معناداری (sig) کوچک‌تر از ۰/۰۵ هست، درنتیجه با سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت عامل جنسیت در میزان رمزگردانی گویش‌وران دوزبانه لکی-فارسی تأثیرگذار است و رمزگردانی به زبان فارسی در بین زنان بیشتر از مردان اتفاق می‌افتد، پس فرضیهٔ اول پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیهٔ دوم:

H0: با افزایش سن افراد دوزبانه لکی- فارسی، میزان رمزگردانی به زبان فارسی کاهش نمی‌یابد.

H1: با افزایش سن افراد دوزبانه لکی- فارسی، میزان رمزگردانی به زبان فارسی کاهش می‌یابد.

جدول ۹- آزمون خی دو در بین گروه‌های سنی گویشوران دوزبانه لکی-فارسی

سطح معنی‌داری ۲	سطح معنی‌داری ۱	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	ارزش	
		۰/۰۱۹	۱	۶/۳	آزمون خی دو
۰/۰۰۱	۰/۰۲۸				آزمون فیشر

همان‌طور که در جدول (۹)مشاهده می‌شود سطح معناداری (sig) کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ درنتیجه با سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت عامل سن در میزان رمزگردانی گویش‌وران دوزبانه لکی–فارسی تأثیرگذار است و با کاهش سن میزان رمزگردانی به زبان فارسی افزایش می‌یابد؛ پس فرضیهٔ دوم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

فرضیهٔ سوم:

H0: میزان رمزگردانی به زبان فارسی در افراد دوزبانه لکی- فارسی در بافت رسمی بیشتر از بافت غیررسمی نیست.

H1: میزان رمزگردانی به زبان فارسی در افراد دوزبانه لکی- فارسی در بافت رسمی بیشتر از بافت غیررسمی است.

جدول ۱۰- آزمون خی دو در بین بافت رسمی و غیررسمی گویشوران دوزبانه لکی–فارسی

	ارزش	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	سطح معنی‌داری ۱	سطح معنی‌داری ۲
آزمون خی دو	۶/۴	۱	۰/۰۱۴		
آزمون فیشر				۰/۰۳۴	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود، سطح معناداری (sig) کوچک‌تر از ۰/۰۵ هست؛ درنتیجه با سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت عامل بافت و نوع گفتار در میزان رمزگردانی گویش‌وران دوزبانه لکی–فارسی تأثیرگذار است و این میزان در بافت رسمی بیشتر است؛ پس فرضیهٔ سوم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

۸- بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که پیش‌ترگفته شد، در بسیاری و شاید در همه جوامع دو یا چندزبانه در سراسر جهان، گویش‌وران در فرآیند ارتباط با دیگر افراد جامعه ناگزیرند میان دو یا چند زبان دست به گزینش بزنند. یکی از گزینش‌هایی که دوزبانه‌ها پیش روی خود می‌بینند، رمزگردانی است. اینکه چرا گویش‌ور در یک موقعیت ویژه تصمیم به گرداندن رمز می‌گیرد و آن را بر رمزهای

دیگر ترجیح می‌دهد،می‌توان در مواردی همچون تمایل به هم‌سویی با مخاطب و کسب تأیید از جانب او، کم کردن فاصله اجتماعی و فرهنگی با مخاطب، ایجاد تناسب با موضوع و ضعف دانش زبانی گویش‌ور جستجو کرد. با این‌وجود برخی از زبان‌شناسان، ضعف دانش زبانی را علت رمزگردانی نمی‌دانند. آویر[۱] (۱۹۸۴) معتقد است گویش‌ور به دلیل تسلط بر دو زبان در بازیابی رمز زبانی مشخص در یک لحظه ممکن است دچار مشکل گردد. البته این انگیزه‌ها گاهی اوقات ناخودآگاه بر تصمیم گویشور در انتخاب زبانی تأثیر می‌گذارد. این پژوهش، داده‌هایی را از تعاملات روزمره گویش‌وران دوزبانه لکی/فارسی شهرستان کوهدشت در دو بافت رسمی شامل محل کار و ادارات و بافت غیررسمی شامل بافت خانواده و همسایگی جمع‌آوری نموده است. پس از آن سعی شده است پدیده رمزگردانی را به عنوان یکی از پیامدهای برخورد زبانی جوامع مورد بررسی قرار دهد و تأثیر عوامل جامعه‌شناختی همچون جنسیت، سن و بافت وقوع گفتار را در وقوع میزان رمزگردانی این پدیده بررسی کند. آن‌چه از یافته‌های پژوهش قابل استنباط می‌باشد وجود رمزگردانی در بین گویشوران لک‌زبان و تأثیر مسلم عوامل ذکرشده در وقوع این پدیده می‌باشد. با توجه به داده‌های موجود می‌توان گفت که گویشوران لک‌زبان تحت تأثیر زبان فارسی معیار مورداستفاده در مدارس و رسانه‌ها، تمایل به گرداندن رمز به فارسی دارند. زبان لکی، نماد بار عاطفی و هویتی و نشانگر هم‌بستگی گویش‌وران این زبان در موقعیت ارتباطی است. زبان فارسی نیز، زبان رسمی و با فاصله اجتماعی زیاد نسبت به زبان‌های بومی محلی می‌باشد. این دو عامل (رسمی بودن و فاصله اجتماعی) مهم‌ترین محرک‌های رمزگردانی می‌باشند. نتایج به‌دست‌آمده به این صورت است که در تعاملات دوزبانه‌های لکی/فارسی، رمزگردانی اتفاق می‌افتد. گویشور دوزبانه گاهی بر اساس تغییر موقعیت و با هدف تأثیرگذاری بیشتر و یا به‌منظور نقل‌قول مستقیم هنگام صحبت به زبان لکی، به زبان فارسی تغییر رمز می‌دهد و بخشی از گفته‌های خویش را به زبان فارسی بیان می‌کند. لازم به ذکر است که کلمات بسیاری از زبان فارسی در مکالمات روزمره لک‌زبانان به کار می‌روند که به دلیل استفاده مکرر، راحتی تلفظ نسبت به معادل لکی خود و یا نبود

1- Auer

معادل در زبان لکی، به‌صورت واژه قرضی وارد این زبان شده و بخشی از واژگان زبان لکـی را تشکیل می‌دهند.

با توجه به اینکه رمزگردانی، عاملی زبانی است، بنابراین می‌توان گفت کـه نقـش مهمـی در تحت تأثیر قرار دادن رفتارهای اجتماعی افراد دارد که بررسی آن‌ها بـه علـوم جامعه‌شناسـی و روان‌شناسی مربوط می‌شود. این موضوع، به‌ویژه در رمزگردانی‌های موجود در گفتـار گـویش‌-وران دوزبانه لکی/فارسی آشکار است. بر اساس این نظریه و مشاهدات پژوهش حاضر، رفتـار ارتباطی گویشوران لک‌زبان، بیشتر نشان‌دهندۀ همگرایی در گفتار است. گویش‌وران بـه دلایـل مختلف از جمله افزایش صمیمیت، گرفتن تأیید و کسب حمایت از مخاطب خود و در کل، بـا هدف برقراری ارتباط کارآمدتر با مخاطب خود بـه زبـان فارسـی رمزگردانـی می‌کننـد. یعنـی مثال‌هایی که از این افراد جمع‌آوری شد به زبان فارسی بودند. در عده محدودی از گویشوران، تمایل به واگرایی در برقراری ارتباط و گرایش به کاهش صمیمیت مشاهده شد. بدین معنی کـه آن‌ها بر متمایز بودن و تفاوت‌های کلامی و غیرکلامی بین خود و مخاطب تأکید می‌ورزیدند.

در خصوص میزان تأثیر عوامل جنسیت، سن و بافت وقوع گفتار در بحث رمزگردانـی نیـز می‌توان گفت که عامل جنسیت در میزان رمزگردانی گویشوران دوزبانه لکی/فارسـی تأثیرگـذار است، با توجه به داده‌های جمع‌آوری‌شده، زنان در مقایسه با مردان تمایـل بیشـتری نسـبت بـه رمزگردانی و کسب تأیید از سوی مخاطب خود نشان دادند. تمایل مردان به کاربرد زبـان لکـی بیشتر بود و رمزگردانی کمتری در گفتارشان رخ می‌داد. با در نظر گرفتن نظریۀ ارتباطی هاوارد گایلز (۱۹۷۹)، زنان در مقایسه با مردان، تمایل بیشـتری بـه کسـب حمایـت و تأییـد از طـرف مخاطب خود دارند. در این منطقه مشاهده شد که زنان بیشتر از مردان به زبان معیار تغییر رمـز می‌دهند. و همگرایی در گفتار آنان بیشتر به چشم می‌خورد. برعکس، مردان بیشـتر تمایـل بـه حفظ اصالت، قدرت و هم‌بستگی از طریق عدم تمایل به رمزگردانی دارند.

در خصوص تأثیرگذار بودن عامل سن در میزان رمزگردانی گویشـوران لک‌زبـان، نیـز بایـد گفت مثال‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که با بالا رفتن سن گویش‌وران میزان رمزگردانـی سیر نزولی می‌یابد. به‌گونه‌ای که زنان و مردان بالاتر از ۵۰ سال، در مقایسه بـا دو گـروه سـنی دیگر در بافت رسمی و غیررسمی تمایل خیلی کمتری به رمزگردانی از خود نشان دادنـد و بـر حفظ اصالت خود تأکید داشتند. نسل جدید تحت تأثیر فضای رسـانه‌ای گسـترده و بـا تصـور

برتر بودن منزلت اجتماعی زبان فارسی از زبان بومی محلی خود فاصله گرفته و در گفتار روزمره خویش بیشتر تمایل به رمزگردانی به زبان فارسی در بافت خانواده، محل کار و محیط‌های آموزشی دارند تا حس همگرایی خود را نیز با مخاطب نشان دهند. در این بین والدین جوان‌تر در مقایسه با والدین مسن‌تر به دلایل گوناگون ازجمله باسواد بودن، ارتباط بیش‌ازحد با فضای رسانه مجازی و تأثیرپذیری، نقش بیشتری در رمزگردانی کلامی و رفتاری خویش و فرزندانشان ایفا می‌کنند.

یافته‌های پژوهش در ارتباط با بافت وقوع گفتار نیز نشان می‌دهد که گویش‌وران در بافت گفتار رسمی همانند محل کار و مدرسه بیش‌تر از رمزگردانی استفاده می‌کنند؛ از آنجاکه زبان فارسی، زبان رسمی کشور است افراد با کاربرد گونه زبانی فارسی معیار، تلاش دارند تا خود را رسمی‌تر و مستقل‌تر از سایر اعضا نشان دهند. عامل واگرایی در نظریه ارتباطی نیز کاهش میزان رمزگردانی را توجیه می‌نماید. افراد با ایجاد تفاوت بین خود و دیگران و عدم استفاده از گونه زبان محلی خود، تلاش می‌کنند که خود را متفاوت از گروه و در جایگاه اجتماعی بالاتری نشان دهند.

این تمایل به هم‌سو شدن (همگرایی) و یا برعکس سوگیری مخالف (واگرایی) و اصرار بر حفظ گونۀ زبانی محلی (حتی در مواقعی که گویشور قادر به تکلم به هردو زبان می‌باشد) هم‌راستا با نظریه تطابق ارتباطی گایلز (۱۹۷۹) و دلایل و انگیزه‌های ارائه‌شده از سوی وی می‌باشد. علاوه بر دلایل ذکر شده، می‌توان گفت دلایلی همچون تسلط زبان فارسی معیار بر زبان‌های بومی محلی، کسب شان و هویت اجتماعی بالاتر (به تصور گویشور)، عدم تسلط بر زبان فارسی، برتر زبان فارسی بر زبان‌های دیگر و فقدان معادل مناسب در زبان لکی نیز به عنوان انگیزه‌های رمزگردانی محسوب می‌شوند.

منابع

۱ ـ ابراهیمی، معصومه. (۱۳۹۳). خاستگاه، تاریخ و فرهنگ لک‌ها، ***فصلنامه فرهنگ مردم ایران***، شماره ۳۷، صص ۶۱–۷۸.

اسپالسکی، برنارد. (۱۳۸۷). ***زبانشناسی اجتماعی***. علی رحیمی و زهرا باقری. تهران: جنگل.

۲ ـ بشیر، حسن و شعاعی‌شهرضا، محمدحسین. (۱۳۹۷). ارتباطات میان فرهنگی و گفتگوی ادیان: مطالعه موردی «سه موسسه در انگلستان». ***دو فصلنامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات***، سال بیست و پنجم، شماره اول (پیاپی ۵۳)، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۹۳-۲۳۴.

۳ ـ بشیرنژاد، حسن. (۱۳۹۷). تحلیلی اجتماعی-زبان‌شناختی بر جایگاه و کاربرد مازندرانی و فارسی در استان مازندران، ***فصلنامه علمی- پژوهشی زبان‌پژوهی***. *دانشگاه الزهرا*، سال دهم، شماره ۲۷.

۴ ـ پورحسینی، فرشته. (۱۳۹۳). ***تحلیل رمزگردانی از دیدگاه کلامی در دوزبانه‌های کردی-فارسی***. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه سمنان.

۵ ـ حیدری، عبدالحسین و همکاران. (۱۳۹۴). دلایل رمزگردانی دوزبانه ترکی آذری-فارسی در پرتو مدل زبان مانریس و نظریه صفر، ***فصلنامه علمی-پژوهش زبان‌پژوهی***. *دانشگاه الزهرا*، سال هفتم، شماره ۱۶.

۶ ـ خراسانی، محمدامین. (۱۳۹۷). سنجش و تحلیل توسعه‌یافتگی نواحی روستایی شهرستان کوهدشت، ***مهندسی جغرافیایی سرزمین***، دوره دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.

۷ ـ سعیدی، زری و آریان‌پویا، مهسا. (۱۳۹۴). تحلیلی بر فرایند رمزگردانی در گویشوران دوزبانه از منظر متغیرهای بافت وقوع گفتار، سن و جنسیت، ***علم زبان***، سال ۳، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.

۸ ـ عالی‌پور، کامین. (۱۳۸۳). ***دستور زبان لکی، ضرب‌المثل‌ها و واژه‌نامه***، خرم‌آباد: افلاک.

۹ ـ غیاثیان، مریم‌السادات و رضایی، حکیمه. (۱۳۹۳). بررسی پدیده رمزگردانی با نگاهی به گفتار دوزبانه‌های ارمنی-فارسی تهرانی، ***علمی-پژوهشی (وزارت علوم)***. شماره ۲۰، صص ۱۰۳-۱۲۲.

۱۰ ـ کاشفی، نسیم. (۱۳۹۵). ***بررسی پدیده رمزگردانی در بین گویشوران دوزبانه: تأثیر عامل جنسیت، سن و شخصیت***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۱ ـ نجفی، ابوالحسن. (۱۳۸۴). ***مبانی زبانشناسی و کاربرد آن در زبان فارسی***. تهران: نیلوفر.

12- Auer, P. (1984). ***Code switching in conversation. Language, interaction and identity***. London: Rouledge.
13- Bassiouney, R. (2006). Functions of code switching in Egypt: Evidence from Monologues. ***Studies in semitic languages and linguistics***. Vol 46. Leiden: Brill Publishers.
14- Bhatia, T.K. & Ritchi, W.C. (Ed.). (2013). ***The Handbook of Bilingualism and Multi lingualism***. 2nd Edition. Oxford: Blackwell Publishing Ltd.
15- Brown, R. & Gillman, A. (1960). The pronouns of power and solidarity. In T.Sebeok (Ed.), ***Style in language,*** 253-276. Cambridge, Mass: MIT Press.
16- Coupland, N. (2007). ***Style: language, variation, and Identity key topics in sociolinguistics.*** Cambridge: Cambridge University Press**.**
17- Ferguson, G. (2009). Towards and agenda for classroom codeswitching research. ***International journal of bilingual education and bilingualism***, 12(2), 231-241.
18- Fischer, J. L. (1972). Social influences in the choice of a linguistic variant. ***Word***, 14, pp 47-56.
19 - Fishman, J. A. (1968). Sociolinguistic perspective on the study of bilingualism, In: ***Linguistics***, 39, 21-49.
20 - Gallois, C., & Ogay, T., & Giles, H. (2005). Communication accommodation theory: A look back and a look ahead. ***In Theorizing about culture and communication. W. B. Gudykunst(eds.).*** Thousand Oaks, CA: Sage.
21- Giles, H. & Ogay, T. (2006). Communication accommodation theory. In B. Whaley & W.
22- Giles, H. (1973). Accent mobility: A model and some data. ***Anthropological linguistics, 15,*** pp 87-109.
23- Giles, H. (1979). ***Accommodation Theory. Optimal Levels of Convergence***, Oxford: Basil Blackwell.
24- Giles, H., Coupland, J., & Coupland. N. (Eds.). (1991). ***The context of accommodation: Developments in applied sociolinguistics.*** New York: Cambridge University Press.
25- Gumperz, J.J. (1982). ***Discourse Strategies***. Cambridge: Cambridge University Press.

Hoffman, C. (1991). ***An introduction to bilingualism*.** New York: Longman.

26- Myers-Scotton, C. (1993). ***Social motivations for code switching: Evidence from Africa***. Oxford: Oxford Clarendon Press.

27- Myers-Scotton, C. (2002). ***Contact linguistics in: bilingual encounters and grammatical outcomes***.Oxford University Press. Oxford: New York.

28- Nilep, c. (2006). Code switching in sociocultural linguistics. ***Colorado research in linguistics*, **Vol.19. Boulder: University of Colorado.

29- Poplock, S, (1985). Contrasting patterns of codeswitching in two communities.***Aspects of multilingualism***. Upssala: Borgstorms, pp 51-77.

30 - Poplock, S. (1980). Sometimes I'll start a sentence in English y termino en spanol: toward a typology of code switching. ***Linguistics**, 18,* pp 581-618.

31- Rahimian, M. (2010). ***Communication Accommodation Theory in Conversation with Second Language Learners***. Master of Arts Thesis. Department of Linguistics. University of Manitoba.

32- Rezaeian, F. (2009). ***Structural and social aspects of code switching among Iranian/Canadian bilinguals.*** M.A. thesis, Simon Fraser University.

Code switching among bilingual Laki-Persian speakers based on variables of age, gender and context

Tahereh Afshar P.hD in Linguistics - Assistant Professor of English Language Department in Ilam University(Corresponding Author)
t.afshar@ilam.ac.ir
Farinoosh Gravand M.A. in Linguistics of Ilam University
Farinoosh.g88@yahoo.com

Received: 09/08/2021 Accepted: 09/11/2021

Abstract

In bilingual or multilingual societies, language contact in daily social interactions leads to code switching. Various definitions for code switching have been presented. But the most common is using more than one language in an utterance or interaction. Code switching is investigated from different sociological, psychological and structural perspectives. Being formal and standard, as well as social, scientific and cultural validity of Persian language in comparison with local languages affect the speech of speakers of these languages. Laki speakers also code switch to Persian in different contexts for different reasons. The current study investigates code switching among Laki /Persian bilingual speakers based on three sociological factors: age, gender and context. The related code switching data collected from 120 people of bilingual Laki/Persian speakers' interactions in Koohdasht during 10 sessions of 45-60 minutes were recorded. 3 age groups involved in data collecting process: 7-13, 18-35 and over 50. Data analysis is performed using SPSS software and Chi-square test was used in inferential statistics. The results suggested that age, gender and context influence code switching. So the rate of code switching to Persian occurs more among women and young people and in the formal context.

Key words: Age, Context, Gender, Bilingualism, Code switching**,** Laki speakers**.**